

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



هویت هر جهان اجتماعی متأثر از لایه های عمیق فرهنگی است. این لایه ها به مثابه روح و شالوده فرهنگ می باشند.

منظورمان از هویت جهان اجتماعی همان چیستی جامعه و کیستی افراد جامعه است. آنچه که این هویت (کیستی و چیستی) جامعه را تعیین می کند. لایه های عمیق فرهنگی می باشند.

برای روشن تر شدن بحث ابتدا می بایست به تشریح لایه های فرهنگی بپردازیم.

لایه های سطحی : شامل : هنجارها و نمادها

لایه های فرهنگ

لایه های عمیق : شامل : باورها و ارزش ها

هنجارها : شامل قوانین رسمی و قواعد غیر رسمی هستند. مثال : قانون اساسی و تمامی قوانین رسمی که در بخش های مختلف جامعه وجود دارند. مانند قوانین موجود در سازمان ها و ادارات مختلف. (عدم رعایت این قوانین منجر به مجازات رسمی قانون شکنان می شود) / **قواعد غیر رسمی** : قواعدی مانند احترام به بزرگترها - رعایت آداب و رسوم و این قوانین بطور رسمی تصویب نشده و عدم رعایت آنها مجازات رسمی در پی ندارد اما اگر نادیده گرفته شوند. احتمالاً موجب فاصله گرفتن و رنجش دیگران و حتی موجب طرد شدن از جمع می شوند. (قواعد غیر رسمی در سنت ها، آداب و رسوم و ... خود را نشان می دهند).

نمادها : تمام آن چیزهایی که مظهر و سمبل باورها، ارزشها یا هنجارها می باشند. هر نماد در واقع نماینده یا نشانگر یک باور ، ارزش یا هنجار بوده و حاوی یک معنا می باشد. (نماد می تواند بصورت یک شیء / یک کلمه یا عبارت / یک اندیشه یا مفهوم / یک شکل و ... باشد).

نمادها می توانند طبیعی یا قراردادی باشند.

نماد های طبیعی (نشانه ها و علائم) : مستقیماً به یک معنا اشاره دارند. (میان نماد طبیعی (نشانه) و معنای آن شباهت عینی و رابطه همگواری وجود دارد / بدون توضیح قابل فهم هستند) مانند: بلند شدن دود که نشانه آتش می باشد. / برافروخته شدن چهره هنگام درگیری که نشانه عصبانیت می باشد.

نمادهای قراردادی (نمادها) : بطور غیرمستقیم به یک معنا اشاره دارند. (میان نماد و معنای آن هیچگونه شباهت عینی و رابطه همگواری وجود ندارد / از طریق قراردهای اجتماعی بوجود می یابند و عموماً از طریق آموزش مسقیم باید آموخته شوند) مانند: صدای زنگ مدرسه / تابلوهای راهنمایی و رانندگی / تمامی کلمات و ...

تمامی اشیا، ساختمان ها، مغازه ها ، کلمات و عبارات، خوارک ها و پوشک ها و اصولاً هر چیزی که توسط انسانها ایجاد شده اند، همگی نماد (طبیعی یا قراردادی) هستند. اگر در تک تک آنها دقت کنید. متوجه می شوید که هر کدام از آنها سمبل

و تجلی باورها، ارزشها و هنجارها هستند (همگی معنی دار هستند) همگی آنها نشانه یا نماینده و نمایش دهنده باورها، ارشها و هنجارهای اجتماعی هستند)

ارزشها : آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی که مورد پذیرش و تمایل همگان هستند. مانند: احترام به پدر و مادر - همدردی کردن - دانایی (دانستن)-نظم و انضباط و (تمامی ارزشها از درون باورها شکل می‌گیرند یا استخراج می‌شوند)

باورها و عقاید : شامل عقاید و باورهای راجع به هستی / انسان و معرفت (شناخت یا دانش).

هر جامعه‌های باورهای خاص خود را در خصوص هستی، انسان و معرفت دارد.

هستی شناسی : به باورها و نگرش‌های یک جامعه نسبت به هستی؛ هستی شناسی گفته می‌شود. (هستی شناسی یعنی اینکه باور و نگرش اکثریت افراد یک جامعه نسبت به هستی چگونه است. آیا هستی را فقط شامل این دنیا می‌دانند یا به جهان دیگری هم اعتقاد دارند.)

انسان شناسی : به باورها و نگرش‌های یک جامعه نسبت به انسان. انسان شناسی گفته می‌شود (انسان شناسی یعنی اینکه باور و نگرش اکثریت افراد یک جامعه نسبت به انسان چگونه است، آیا انسان را موجودی فعال و خلاق و مختار می‌دانند. که می‌تواند بر محیط و شرایط موجود تاثیر بگذارد یا بر عکس موجودی منفعل و مجبور که اسیر شرایط و محیط بوده و شخصیتی منقل دارد)

معرفت شناسی : به باورها و نگرش‌های یک جامعه نسبت به معرفت. معرفت شناسی گفته می‌شود (معرفت شناسی یعنی اینکه باور و نگرش اکثریت افراد یک جامعه نسبت به معرفت چگونه است، آیا آنان تنها روش حسی - تجربی را معتبر دانسته و مدعی هستند که صرفا از طریق این روش می‌توان به شناخت و معرفت صحیح دست یافت یا اینکه علاوه بر روش حسی - تجربی، روش‌های عقلانی و وحیانی را هم معتبر دانسته و مدعی اند که این روش‌ها نیز می‌توانند ما را به معرفت و دانش درست برسانند).

برای درک بهتر معرفت شناسی می‌بایست میان دو مفهوم science و knowledge تمایز قائل شد.

knowledge : به معنای معرفت یا شناخت بوده و به تمامی روش‌های کسب دانش اشاره دارد. روش‌هایی مانند روش حسی - تجربی / عقلانی / وحیانی و

science : به معنای علم تجربی است و صرفا به روش حسی - تجربی اشاره دارد (science تنها یکی از انواع روش‌های کسب شناخت یا معرفت (knowledge) است)

در جوامع متعدد معرفت و شناخت صرفا به science محدود شده و تنها روش تجربی معتبر دانسته می‌شود. اگر این رویکرد به جوامع دیگر سرایت کند موجب ایجاد بحران‌های معرفتی می‌شود

هر جامعه‌ای هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی خاص خود را دارد که همین موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع می‌شود. این باورهای بنیادی (هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی) هویت جامعه را می‌سازد و ارزشها و هنجارها و نمادهای جامعه را شکل می‌دهند.

بنابراین این باورهای بنیادی است که موجبات انسجام و همدلی اعضای جامعه شده و در عین حال موجب هویت یابی و تمایز جامعه از سایر جوامع می‌گردد. این باورهای بنیادی همان روح و شالوده فرهنگ یک جامعه می‌باشند. منظور از شالوده همان پایه و اساس می‌باشد.

اکنون می‌توان فهمید که چرا در ۸ سال دفاع مقدس جوانانی از اقصی نقاط کشور در اوج همدلی و ایثار از خاک ایران عزیز دفاع می‌کردند. دلیل این بود آن جوانان عزیز علی رغم تفاوت‌های ظاهری (قیافه – لجه – آداب و رسوم...) در لایه‌های عمیق شخصیت خود یعنی همان باورها و ارزش‌های بنیادین مشترک بودند. رمز پیروزی آنان در اشتراک‌شان در لایه‌های عمیق فرهنگی بود. تا زمانی که این اشتراک در بین اعضای یک جامعه باشد تداوم و پیشرفت آن جامعه تضمین شده است.

اکنون بهتر می‌فهمیم که چرا دشمنان این آب و خاک به جنگ فرهنگی روی آورده و باورها و ارزش‌های بنیادی ما را نشانه گرفته‌اند.

جهان انسانی : شامل تمامی پدیده‌هایی است که انسان‌ها با اندیشه و عمل خود آنها را ایجاد کرده‌اند.

جهان انسانی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) بخش فردی : (جهان ذهنی) شامل روحیات – عادات – گرایش‌ها و سلایق کاملاً شخصی و خصوصی افراد می‌باشد. این بخش هویت فردی و خصوصی دارد. هر پدیده‌ای که در این بخش تولید شود. پدیده فردی است

ب) بخش اجتماعی : (جهان فرهنگی) شامل تمامی باورها – ارزش‌ها – هنجرها – آداب و رسوم – سنت‌ها و می‌باشد. این بخش عمومی و همگانی است. این بخش هویت فرهنگی دارد. هر پدیده‌ای که در این بخش شکل گیرد. پدیده اجتماعی است

شرط گذار یک پدیده از بخش فردی به اجتماعی؛ به اشتراک گذاردن پدیده فردی با هدف انتقال یک پیام یا معنای اجتماعی به دیگران است. مثال: شخصی با علایق شخصی خود ساختن مجسمه‌ای می‌سازد (بخش فردی) اما با نصب آن در نقطه‌ای از شهر (با مجوز شهرداری)؛ آن پدیده فردی را به یک پدیده اجتماعی بدل می‌کند. زیرا اولاً آنرا به اشتراک گذارده و ثانیاً با نصب آن در نقطه‌ای از شهر قصد انتقال یک معنا یا پیام اجتماعی را به دیگران دارد.

نکته: یکی از راههای تفکیک بخش فردی از بخش اجتماعی، توجه کردن به موضوع کنش می‌باشد. اگر موضوع کنش مربوط به رخدادها و مسائل اجتماعی باشد، آن کنش به بخش اجتماعی تعلق دارد و بالاعکس اگر موضوع کنش مربوط به مسائل و رخدادهای شخصی باشد؛ آن کنش به بخش فردی متعلق خواهد بود. به عبارت دیگر اگر موضوع کنش ما را باورها و ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی تعیین کرده باشد، کنش ما از نوع اجتماعی خواهد بود و به بخش اجتماعی مرتبط خواهد بود و بالاعکس اگر موضوع کنش ما را روحیات و علایق و سلایق شخصی تعیین کرده باشد، کنش ما از نوع فردی خواهد بود و به بخش فردی مربوط خواهد شد.

مثال از کنش‌های مرتبط با بخش اجتماعی: فکر کردن به مراسم ماه محرم؛ یک کنش اجتماعی است زیرا موضوع کنش ما تحت تأثیر باورها و ارزش‌های اجتماعی است. (مثال‌های دیگر از کنش اجتماعی: نگارش کتاب با موضوعات اجتماعی / ساخت مجسمه مربوط به یک رخداد اجتماعی و...)

مثال از کنش‌های مرتبط با بخش فردی: فکر کردن به شیوه‌های آراستن خود / نگارش خاطرات شخصی / ساخت مجسمه مربوط به یک تجربه یا رخداد فردی یا بر اساس علایق و سلایق شخصی.

تناسب و هماهنگی میان بخش فردی و بخش اجتماعی

در هر جامعه ای میان بخش فردی و اجتماعی تناسب و هماهنگی وجود دارد به این ترتیب که شخصیت هر فرد، علایق و سلایق هر فرد در بستر فرهنگ(باورها - ارزشها - سنت ها - آداب و رسوم و) یک جامعه شکل می گیرد و شخصیت افراد نیز پس از شکل گیری با همان فرهنگ احساس راحتی می کند و به تداوم همان فرهنگ کمک می کند. بدین ترتیب میان بخش فردی و اجتماعی جامعه نوعی هماهنگی و تناسب خودبخودی وجود دارد.

در کل اهمیت و تاثیر بخش اجتماعی بسیار بیشتر از بخش فردی است و بخش فردی عمدتا تحت تاثیر بخش اجتماعی شکل می گیرد. یعنی اگر به علایق و سلایق کاملاً شخصی خودمان هم با دقت بنگریم متوجه می شویم که آنها تحت تاثیر فرهنگ جامعه یا همان باورها - ارزشها و سنت ها و شکل گرفته اند. (انسان موجودی فرهنگی است: یعنی فردیت و شخصیت او در زمینه و بستر فرهنگ شکل می گیرد)

جهان تکوینی : شامل پدیده هایی است که مستقل از کنش انسانها هستند. ربطی به اندیشه و عمل انسانها نداشته و قبل از انسانها وجود داشته اند.

(الف) جهان طبیعت (کوه - دشت - درخت و ...)

جهان تکوینی به دو بخش تقسیم می شود:

(ب) جهان مافوق طبیعت (خدا - فرشته و)

تفاوت متفکران مسلمان و غیرمسلمان در خصوص نگرش به جهان تکوینی:

از نظر متفکران مسلمان جهان تکوینی شامل دو بخش طبیعت و مافوق طبیعت بوده و جهان مافوق طبیعت مهمتر و تأثیرگذارتر از چهان طبیعی است. اما از نظر متفکران غیرمسلمان یا جهان تکوینی وجود ندارد، اگر هم وجود دارد بسیار کم اهمیت تر از چهان طبیعی است.

سه دیدگاه راجع به نحوه تعامل ۳ جهان (جهان ذهنی - جهان فرهنگی - جهان تکوینی)

دیدگاه اول :

طبیعت و ماده تعیین کننده جهان فرهنگی و جهان ذهنی است (یعنی این طبیعت و ماده است که فرهنگ (باورها - ارزش ها - هنجارها - سنت ها - آداب و رسوم و ...) را می سازد و همچنین این طبیعت و ماده است که جهان ذهنی (روحیات / سلایق و کرایش های فردی و خصوصی انسانها را ایجاد می کند

منظور از طبیعت : پدیده های طبیعی است . مانند : آب و هوا و ..

مثال : تاثیر طبیعت بر جهان فرهنگی : تاثیرکم آبی در ایران بر شکل گیری سنت تقدس نان / تبدیل قناعت و سخت کوشی به یک ارزش اجتماعی

تاثیر طبیعت بر جهان ذهنی : تاثیر کم آبی بر شکل گیری روحیاتی چون صبور بودن - سخت کوش بودن - قانع بودن و ..

منظور از ماده : شرایط مادی و عینی است(همان فیزیک زندگی) . اینکه در کدام شهر یا روستا / در کدام طبقه اجتماعی / در کدام محله / در چه نوع خانه ای / در چه نوع خانواده ای / در کدام مدرسه درس بخوانیم / چه امکاناتی در اختیارمان باشد وروحیات متفاوتی خواهیم داشت و سنت ها و ارزشها و باورهای مختلفی شکل خو亨د گرفت

مثال : تاثیر ماده بر جهان فرهنگی : مانند : تاثیر سبک زندگی رستایی بر شکل گیری ارزش های اجتماعی مانند: همیاری - جمع گرایی و .. / تاثیر شرایط ماده بر جهان ذهنی : مانند تاثیر سبک زندگی رستایی بر ایجاد روحیاتی چون : مردمی بودن - مهربان بودن - همنگ دیگران بودن

مثال ساده : شکل خانه شما بر روحیات شما و ارزشها و هنجارهای خانوادگی شما بسیار موثر است. قدیمی تر ها بدلیل وجود خانه های بزرگ و خانواده های گسترده روابط میان اعضاء خانواده خیلی صمیمی تر از امروز بود و مراسم زیادتری در خانواده به همراه افراد فامیل برگزار می شد. اما اکنون بدلیل آپارتمانی و کوچک تر شدن خانه ها. روحیات اعضاء خانواده و مراسمات خانوادگی تفاوت معنی داری یافته اند.

دیدگاه اول مبین فلسفه ماتریالیسم یا ماده گرایی است. که اساس هر چیزی را اعم از اجتماعی و فردی به جهان عینی و مادی ربط می دهد. (شرایط عینی (اعم مادی یا طبیعی); فرنگ جامعه و روحیات و گرایش های افراد جامعه را می سازد نکته مهم : بر اساس دیدگاه اول : جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت است. (عدم باور به مافوق طبیعت) /

بر اساس این دیدگاه فقط علوم طبیعی و روش حسی و تجربی معتبرند و علوم انسانی و اجتماعی می باشند از علوم طبیعی و روش های آن پیروی کنند. این دیدگاه تفاوت های علوم انسانی با علوم طبیعی را نادیده گرفته و موجب کنار گذاردن ظرفیت ها و قابلیت های علوم انسانی و اجتماعی می شود.

دیدگاه دوم :

جهان فرنگی تعیین کننده جهان ذهنی و تعیین کننده نحوه برخورد با جهان طبیعت است

این فرنگ جامعه (باورها - ارزش ها - سنت ها - آداب و رسوم - قوانین و) است که روحیات و سلایق افراد را می سازد و همچنین این فرنگ جامعه است که تعیین می کند که به طبیعت احترام بگذاریم یا آنرا همانند مانند خامی بدانیم که در تملک ماست و هر بلای می توانیم بر سر آن بیاوریم

مثال : فکر کرده اید که چرا ما با مشاهده یک سوسک؛ اولین چیزی که به ذهنمان می رسد این است که چطور آنرا له کنیم / یا وقتی به یک درخت قدیمی نکاه می کنیم آنرا در شکل هیزمی می بینیم که جان می دهد برای شکستن و سوزانده شدن.... این برخورد خشن با طبیعت ریشه در فرنگ جامعه دارد. بدین ترتیب نحوه برخورد ما با طبیعت را فرنگ جامعه تعیین می کند..

فرنگ یک جامعه علاوه بر اینکه نحوه برخورد ما با طبیعت را تعیین می کند. بلکه جهان ذهنی ما یعنی تمامی روحیات و علایق و سلایق ما را نیز فرنگ جامعه ایجاد می کند. مثال : فرنگ رستایی (باورها - ارزش ها - سنت ها و آداب و رسوم و ...) موجب شکل گیری روحیاتی چون: سخت کوشی - همدردی و مهربانی - صبور بودن و ... می شود.

دیدگاه سوم :

در این دیدگاه هر سه جهان (جهان فرنگی - جهان ذهنی - جهان تکوینی) به یک اندازه مهم هستند. و هر سه جهان بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند.

دیدگاه قرآنی :

بر اساس دیدگاه قران کریم: جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود نمی باشد / ادراک و آگاهی نیز منحصر به انسان نیست /
جهان تکوینی بر اساس حکمت و مشیت الهی رفتاری و سنجیده و حکیمانه با انسانها دارد.

قران کریم بر اهمیت هر سه جهان تاکید دارد.

رابطه سه جهان به این صورت است که اگر : انسان اخلاق الهی داشته باشد / جامعه هم از فرهنگ توحیدی بروخوردار باشد /
جهان تکوینی درهای رحمت و برکت خود را خواهد گشود. اما اگر انسانها و جوامع هویتی مشرکانه داشته باشند، زمین و
آسمان نیز از تعامل سازنده با آنها بازمانده و ظرفیت های الهی و آسمانی خود را پنهان خواهد داشت.

بر اساس دیدگاه قرانی . جهان مافوق طبیعت ارزش خاصی دارد.



بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

